

جلوه‌های امیدآفرینی در سیره معصومان علیهم‌السلام با رویکردی به بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دامه‌الرحمة

✍ فاطمه نبی^۱

✍ اعظم رحمت آبادی^۲

چکیده

«امید» به رحمت الهی و باور به آینده‌ای روشن، از مباحث کلیدی است که به‌ویژه در سال‌های اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته، جزء واژگان پربسامد رهبر معظم انقلاب اسلامی دامه‌الرحمة بوده است. بحث «امیدآفرینی» در همین راستا مطرح و از همه اقشار جامعه دعوت شده تا در این جهاد بزرگ نقش‌آفرینی کنند؛ اما پیاده‌سازی این مهم، نیازمند الگوگیری از نمونه‌های برتری است که در شرایط و حالات مختلف، به ترویج آن همت گمارده‌اند. مقاله حاضر با هدف تبیین جلوه‌های امیدآفرینی در سیره معصومان علیهم‌السلام با رویکرد توصیفی تحلیلی به این سؤال اصلی پاسخ می‌دهد که آن ذوات مقدس چگونه امید را در جامعه اسلامی ایجاد و تقویت کرده‌اند. براساس این پژوهش، همان‌گونه که قرآن کریم با بهره‌گیری از الفاظ محبت‌آمیز، ذکر وعده‌های الهی به مؤمنان و صالحان، پرهیز دادن از یأس و... در پی برانگیختن احساس مخاطب و ایجاد انگیزه در اوست، سیره پیامبر و ائمه علیهم‌السلام نیز نشان از عمق توجه ایشان به این موضوع داشته، تلاش‌های بی‌وقفه‌ای را حکایت می‌کند که همگی در جهت جذب و حفظ نفوس، ارتقای معنوی و دمیدن روح امید در کالبد انسان‌های حق‌طلب صورت پذیرفته است.

واژگان کلیدی: سیره، امیدآفرینی، دعا، انفاق، موعظه، مهدویت.

-
۱. طلبة سطح سه، مؤسسه علمی تحقیقی مکتب نرجس علیها‌السلام، حوزه علمیه خراسان، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)، fanabidi426@gmail.com
۲. استادیار مؤسسه علمی تحقیقی مکتب نرجس علیها‌السلام، حوزه علمیه خراسان، مشهد، ایران، Rahmatabadyazam@gmail.com

بقا و استمرار حیات هر جامعه، وابسته به حیات مادی و معنوی فرد به عنوان عضو آن است. فرد برای دستیابی به اهداف متعالی و رسیدن به موفقیت، علاوه بر نگاه توحیدی و اصل ایمان، به انگیزه و روحیه مضاعف نیازمند است. ازسوی دیگر، کسب این روحیه به عوامل بسیاری متکی است و چه بسا ارائه یک الگوی موفق، بتواند تحولی در وجود انسان پدید آورد و او را به آینده پیش رو امیدوار سازد.

در حقیقت، «امید» زمینه ساز بسیاری از تلاش ها و «کلید اساسی همه قفل ها» است (حسینی خامنه ای، ۱۳۹۷: بیانات در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی). جامعه ای که از هرسو تهدید شده، در معرض شبهه ها و تحریف حقایق است، بیش از هر چیز باید به تزریق امید و ارتقای آن، به ویژه در میان نسل جوان خود، بیندیشد؛ چراکه اگر ذره ای غبار نومیدی بر دل ایشان بنشیند، از دست رفتن سرمایه گران بهای عمر، هدررفت استعداد های بالقوه و افول جامعه در همه ابعاد، امری قطعی خواهد بود؛ بنابراین «امیدآفرینی» در چنین جامعه ای که آماج روایت های وارونه نمای دشمنان است و ازسویی بناست زمینه ساز تحقق تمدنی اسلامی از تمام جهات باشد، ضرورتی بسیار پیدا می کند.

بدون تردید، اهل بیت (علیهم السلام) که نمونه های یک انسان کامل بوده و راهبری جامعه ایمانی را بر عهده داشته اند، نقشی اساسی در ترویج امید و امیدآفرینی در میان امت اسلامی ایفا کرده اند. ایشان با زندگی سراسر ایمان و امید خود نشان دادند که چگونه می توان در مقابل سختی ها و مشکلات زندگی ایستادگی کرده، در مقابل خصم به زانو ننشست؛ از این رو سیره و سبک رفتاری آنان، به عنوان راهبردی برای خنثی سازی نقشه های توطئه آمیز دشمنان، مد نظر قرار می گیرد.

مقاله حاضر به این سؤال اصلی پاسخ می‌دهد که معصومان علیهم‌السلام چگونه امید را در جامعه اسلامی ایجاد، تقویت و ترویج کرده‌اند.

موضوع امید و زوایای مختلف آن همواره مد نظر پژوهشگران بوده است؛ به‌ویژه در سال‌های اخیر که رهبر معظم انقلاب دامنه‌السلام بارها و در مناسبت‌های گوناگون به این مهم اشاره و تأکید داشته‌اند. نظر به اهمیت و ضرورتی که افزایش و ارتقای این روحیه دارد و قرآن و احادیث نیز بر پرهیز از نومییدی دلالت می‌کنند، پژوهش‌های صورت گرفته همگی این موضوع را با هدف ارائه راهکار بررسی کرده‌اند؛ از جمله مروّتی و ملک‌شاهی (۱۳۹۳) در مقاله «روش‌شناسی امیدآفرینی در قرآن با رویکردی بر قصه حضرت یوسف علیه‌السلام» راهکارهای امیدآفرینی حول دو محور اعتقادی و رفتاری براساس قصه حضرت یوسف علیه‌السلام در قرآن را بیان کرده‌اند. شعبانی (۱۳۹۸) در مقاله «بررسی مؤلفه «امید» در سبک زندگی دینی و نقش رسانه دیداری تلویزیون در گسترش امیدآفرینی دینی» ابعاد مختلف ارتباط بین امیدآفرینی دین و رسانه تلویزیون را بررسی کرده است. جلالی نوبری (۱۳۹۹) در دو مقاله «راهکارهای شناختی افزایش امید (امیدآفرینی) در قرآن کریم با تکیه بر اندیشه‌های آیت‌الله جوادی آملی» و «راهکارهای رفتاری افزایش امید (امیدآفرینی) در قرآن کریم با تکیه بر اندیشه‌های آیت‌الله جوادی آملی» از دو جنبه مختلف و با تمرکز بر دیدگاه‌های تفسیری آیت‌الله جوادی آملی این موضوع را بررسی کرده است. تقریباً با همین رویکرد، مقاله دیگری با عنوان «امیدآفرینی در قرآن کریم با تکیه بر اندیشه‌های آیت‌الله جوادی آملی و علامه طباطبائی» از زارعی و خوشوقت (۱۴۰۰) نگاشته شده است. ویژگی متمایز این مقاله آن است که از سه زاویه، عوامل امیدآفرینی را در قرآن و طبق دیدگاه‌های این دو مفسر بزرگ واکاوی کرده است. همچنین رضایی و شرفی (۱۴۰۱) در مقاله «شاخص‌های امیدآفرینی انتظار در مدل اسلامی پیشرفت در اندیشه امام خاتمه‌ای دامنه‌السلام» با رویکردی استنباطی بیانات رهبر معظم انقلاب دامنه‌السلام را بررسی و از این رهگذر شاخص‌های امیدآفرینی را تبیین کرده است. نجف‌آبادی (۱۴۰۱) در مقاله «چگونگی امیدبخشی خداوند تعالی و انبیای الهی علیهم‌السلام در قرآن کریم و دلالت‌های

تربیتی آن برای معلمان فعلی» روش‌های امیدبخشی را برای معلمان که نقش هدایت‌گری آن‌ها هم‌راستا با وظایف انبیای الهی ﷺ است، ارائه کرده است.

همان‌طور که بیان شد، در موضوع امیدآفرینی پژوهش‌های خوبی صورت گرفته است؛ اما، به‌جز مواردی که این موضوع را در حیطه‌ای خاص مانند رسانه و ادبیات پی گرفته‌اند، سایر آثار نگاشته‌شده فقط جنبه قرآنی آن را مد نظر قرار داده‌اند.

درحالی‌که نوشتار حاضر بر آن است تا راهبردهای مؤثر امیدآفرینی را به‌شکل غیرمستقیم و با بیان نمونه‌ها و الگوهای شاخص دینی به خواننده منتقل کند. ضمن آنکه سیره را به‌عنوان یکی از منابع اصلی دین لحاظ کرده و از این زاویه، نمونه‌هایی از تاریخ اسلام و سیره ارائه می‌دهد که از حیث عملی صلاحیت الگوسازی و الگوگیری را دارند. همچنین این پژوهش متأثر از بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دام‌ظله در این حوزه است.

۱. مفهوم‌شناسی

واژه «امید» در زبان فارسی به معنای آرزو، چشم‌داشت، توقع، انتظار (معین، ۱۳۸۵: ج ۱، ۳۵۶)، انتظار برای چیزهای خوب، توقع، چشم نیکی از مردم و از هرچیزی داشتن (دهخدا، ۱۳۴۲: ج ۸، ۲۲۲) آمده است.

در لغت عرب، این واژه هم‌سو و مرادف با کلماتی چون «رجاء»، «عسی» و «لعل» است. در هریک از این کلمه‌ها به‌نوعی مفهوم امید نهفته است؛ به‌طوری‌که رجا را آرزو و ضد یأس معنا کرده‌اند (فراهیدی، ۱۴۱۰: ج ۶، ۱۷۶). راغب آن را گمانی دانسته که اقتضای رسیدن به شادی در آن هست (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹: ج ۲، ۵۴) و از آن تعبیر به امیدواری می‌شود. همچنین «عسی» و «لعل» به ترجی و امید معنا شده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹: ج ۲، ۶۰۰؛ قرشی بنابی، ۱۳۷۱: ج ۶، ۱۹۳).

به همین ترتیب، از واژگان دیگری مثل «تمنی»، «أمل» و «طمع» نیز در متون عربی تلقی امید شده است؛ هرچند تعریف «تمنی» به آرزو کردن (قرشی بنابی، ۱۳۷۱: ج ۶، ۹۶) شاید نتواند آن معنای مورد انتظار از امید را به درستی منتقل کند. چه اینکه بیشتر، آرزوها را تصور یا تصوراتی دانسته‌اند که حقیقتی برای آن نیست (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹: ج ۴، ۲۵۹)؛ درحالی که امید بر پایه حقیقت و مقصدش دست‌یافتنی است. به دیگر سخن، کاربرد «تمنی» بیشتر در رابطه با آرزوهای باطل است (شعرانی، ۱۳۸۶: ج ۲، ۴۲۴).

در اصطلاح، امید حالتی نفسانی است که فرد امیدوار را به تلاش جدی وامی‌دارد (آخوندی، ۱۳۸۵: ۵۱ تا ۷۴). از دیدگاه توحیدی، امید تحفه‌ای الهی تلقی می‌شود که به تلاش و انگیزه فرد شتاب می‌بخشد و طبق این معنا با خوف و ترس در تضاد نیست؛ بلکه در کنار هم به کار می‌روند (شعبانی، ۱۳۹۸: ۱۱۵ تا ۱۴۴).

در اصطلاح علم اخلاق، امید به راحتی و لذتی گفته می‌شود که از انتظار رخداد امری مطلوب در قلب حاصل می‌شود؛ چنان‌که فیض کاشانی در تعریف آن گفته است: «احساس راحتی قلب در نتیجه انتظار تحقق امری که محبوب و خوشایند است؛ البته در صورتی که اکثر اسباب و موجبات آن امر محبوب محقق باشد.» (فیض کاشانی، بی‌تا: ج ۷، ۲۴۹).

به کسی یا چیزی که امیدوار می‌کند و امید می‌دهد، امیدبخش یا امیدوارکننده گفته می‌شود (دهخدا، ۱۳۴۲: ج ۸، ۲۲۴). انسان امیدآفرین، یعنی کسی که آینده را روشن دیده، برنامه‌ریزی می‌کند و با آگاهی از مسیر گام برمی‌دارد. او تلاش می‌کند تا با فرهنگ‌سازی و رواج احساسات و باورهای مثبت در جامعه، نگاه خوش‌بینانه‌ای به آینده پیش رو در دیگران ایجاد کند (btid.org). ۲۵ بهمن ۱۴۰۱.

بنابراین، امیدآفرینی به معنای فراهم آوردن اسباب و لوازمی است که روحیه امید و امیدواری را در فرد و جامعه به وجود می‌آورد.

۲. امید و امیدآفرینی در کلام و سیره معصومان علیهم السلام

در روایات اسلامی به مقولهٔ امید و امیدبخشی توجه ویژه‌ای شده است؛ به‌طوری که گزاره‌های دینی فراوانی در بیان اهمیت و جایگاه امید و نقش مهم آن در زندگی فردی و اجتماعی وجود دارد. بدیهی است از میان روایات فراوان آنچه که القاگر معنای امید است، در محدوده‌ای فراتر از واژگان مرتبط قرار داشته، گاه مفاهیم و معانی به‌کاررفته در پس هر جمله، روح امید و اشتیاق را در مخاطب برمی‌انگیزاند؛ به‌عنوان نمونه می‌توان از محتوای برخی ادعیه یا سخنان پندآموز و حکیمانهٔ پیشوایان دین گفت که دربارهٔ مباحث مهم اعتقادی، معرفتی و حتی تفسیر کلام خداوند ﷻ وارد شده است.

در بیانات گهربار اهل بیت عصمت علیهم السلام از امید به‌عنوان رحمت الهی یاد شده که سرمنشأ و نیروی پیش‌ران بسیاری از فعالیت‌های انسانی است (نک: نوکنده، ۱۳۹۰: ۲۴ تا ۳۴)؛ چنان‌که از رسول گرامی اسلام ﷺ نقل شده: «الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِأُمَّتِي وَ لَوْلَا الْأَمَلُ مَا رَضِعَتْ وَالِدَةٌ وَلَدَهَا وَ لَا غَرْسٌ غَارِسٌ شَجَرَهَا» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۴، ۱۷۳)؛ «امید و آرزو، برای امت من مایهٔ رحمت است و اگر امید نبود هیچ مادری فرزندش را شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی نهالی نمی‌کاشت.» در این حدیث لفظ «أمل»، صرف‌نظر از آن آرزوی نکوهیده در اسلام، همان معنای عرفی امید را به مخاطب منتقل می‌کند.

امیدواری به رحمت الهی نمونهٔ برتری از امیدهای صادق است که در روایات هم‌راستا با قرآن کریم به آن اشاره شده، در حقیقت یکی از عناصر مهم سبک زندگی دینی و ازجمله مفاهیم اساسی در تعلیم و تربیت اسلامی محسوب می‌شود (شعبانی، ۱۳۹۸: ۱۱۵ تا ۱۴۴). طبق این بیان، بسیاری از گفتارهای تربیتی که در آموزه‌های دینی آمده، ظرفیت و استعداد امیدآفرینی را دارند.

امام صادق علیه السلام در حدیثی، خوف ورجا را از ویژگی‌های اهل ایمان برشمرده، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نتایج این مقام از لزوم تلاش و پشتکار سخن گفته است: «به مقام اهل ایمان دست

نیایی تا ترسان و امیدوار شوی و به مقام خوف ورجا نرسی تا برای آنچه ترسان و امیدواری، تلاش و کوشش نمایی.» (حرانی، ۱۳۸۰: ۳۴۸).

یکی از نشانه‌های امید واقعی این است که فرد را به فعالیت و تکاپو می‌اندازد. درمقابل، ترس واقعی از چیزی باعث دوری گزیدن از آن چیز است. امیدی که برای انسان رخوت آورده، خمودگی را از او دور نکند، عنوان حقیقی امید به خود نمی‌گیرد؛ چراکه لوازم و آثار آن در او محقق نشده و از طرفی، زمینه‌سازی لازم را هم برای تحقق آن انجام نداده است. از نگاه امام صادق (علیه‌السلام) اشخاصی با این ویژگی‌ها که به اتکای لطف و رحمتی که از خداوند (تعالی) سراغ دارند، به راحتی گناه کرده، تلاشی در جهت جبران خطاهای گذشته خود ندارند، بهره‌ای از امید واقعی نبرده، غرق در آرزوها و خیالات خویش‌اند (کلینی، ۱۳۷۵: ج ۴، ۲۱۰).

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نیز در بیانات خود، ضمن انتقاد از این قبیل افراد، امید و ترس حقیقی را تجلی‌یافته در رفتار آدمی دانسته‌اند:

«به گمان خود ادعا دارد که به خداوند (تعالی) امیدوار است. به خدای بزرگ سوگند که دروغ می‌گوید. چه می‌شود او را که امیدواری در کردارش پیدا نیست؛ پس هرکس به خداوند (تعالی) امیدوار باشد، باید امید او در کردارش آشکار شود. هر امیدواری جز امید به خدای تعالی ناخالص است و هر ترسی جز ترس از خداوند (تعالی) نادرست است.»^۱ (نهج البلاغه، خ ۱۶۰).

آن حضرت در فرازی دیگر، فردی را که از ایشان درخواست پندوانداز کرده بود، از امیدواری به آخرت بدون اقدام بر عمل صالح بر حذر داشته، از آرزوهای دراز که عامل به تأخیر افتادن توبه می‌شود نهی فرمودند (نهج البلاغه، ح ۱۵۰).

۱. «يَدْعِي بِرَّغَمِهِ أَنَّهُ يَرْجُو اللَّهَ كَذَبَ وَالْعَظِيمُ مَا بَالُهُ لَا يَتَيَّنُّ رَجَاؤُهُ فِي عَمَلِهِ فَكُلُّ مَنْ رَجَا عَرَفَ رَجَاؤَهُ فِي عَمَلِهِ وَ كُلُّ رَجَاءٍ إِلَّا رَجَاءَ اللَّهِ تَعَالَى فَإِنَّهُ مَدْخُولٌ وَ كُلُّ خَوْفٍ مُحَقَّقٌ إِلَّا خَوْفَ اللَّهِ فَإِنَّهُ مَعْلُولٌ.»

در احادیث همچنین به این حقیقت اشاره شده که در شرایط دشواری که همه درهای امید به روی انسان بسته شده و نومییدی غلبه یافته است، بیش از هر زمان دیگری باید امیدوار بود و خود را به آنچه امید وقوعش نیست نزدیک‌تر دانست (آمدی، بی‌تا: ۵۲۹)؛ چنان‌که حضرت موسی علیه السلام در بیابان نوری دید و با این تصور که شاید آن نور آتشی باشد تا بتواند از آن بهره‌ای گیرد نزدیک رفت؛ اما به ناگاه هم کلام خداوند تعالی شد (متقی، بی‌تا: ج ۳، ۷۲، ح ۵۹۰۴).

بنابر آموزه‌های دینی، امید بستن و اتکال به غیر خداوند تعالی نتیجه‌ای جز نومییدی در بر ندارد. براین اساس، همه امید خویش را باید معطوف به خدای سبحان کرد^۱ (آمدی، بی‌تا: ۱۵۲) که از نگاه توحیدی، همه هستی در دایره لطف و رحمانیت او قرار گرفته است.

«حسن ظن به خداوند تعالی» تعبیر دیگری است که در روایات از آن تلقی امید شده، از انسان خواسته‌اند که تنها خالق متعال را محور خوف و رجای خویش قرار دهد (کلینی، ۱۳۷۵: ج ۴، ۲۲۰). چه اینکه اگر جز گمان نیک به خداوند تعالی برده شود، بر طبق همان نیز با او رفتار خواهد شد (حر عاملی، بی‌تا: ج ۱۵، ۲۳۱). به بیان دیگر، بنده‌ای که به غیر خداوند تعالی امید بسته باشد، در نهایت یأس و دل‌سردی قلب او را فرامی‌گیرد.

وصف «أَفْضَلُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ» (برتر از اهل هر زمان) (یزدی حائری، ۱۴۰۴: ج ۱، ۴۶۹: ابن بابویه، ۱۳۸۲: ج ۱، ۵۸۶ تا ۵۸۸) درباره یاران و منتظران امام عصر علیه السلام نیز در روایات اسلامی دیده می‌شود که می‌تواند امیدبخش و نویددهنده بسیاری از دل‌های مشتاق و جان‌های آزاده و مُخْلِص باشد.

۱. «اجْعَلُوا كُلَّ رَجَائِكُمْ لِلَّهِ سُبْحَانَهُ وَلَا تَرْجُوا أَحَدًا سِوَاهُ؛ فَإِنَّهُ مَا رَجَا أَحَدٌ غَيْرَ اللَّهِ. تَعَالَى إِلَّا خَابَ.»

بی‌گمان، شمار احادیث و گفتارهای دینی موجود در این زمینه بیش از آن است که بتوان همه را در این مقال گنجانند. از بررسی روایت‌های متناظر، علاوه بر درک درست مفهوم امید و شناخت آثار و کاربردهای آن، به ارزش و اهمیت والای امیدبخشی در جامعه اسلامی نیز پی برده می‌شود.

در سیره عملی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و امامان معصوم (علیهم‌السلام) امید بسیار حائز اهمیت است. این مهم نه تنها توصیه آن بزرگواران بوده است؛ بلکه در ضمن سخنان حکمت‌آمیز خود لزوم آن را یادآور شده‌اند که در متن زندگی خویش با ویژگی‌های شخصیتی، رفتارها و عملکردهایی که داشته‌اند به‌طور غیرمستقیم بر آن تأکید کرده‌اند. به بیانی دیگر، میان گفتار و رفتار مؤمنانه آن اُسوه‌های فرزانه، هماهنگی و سنخیت درخور ملاحظه‌ای وجود داشته است؛ چنان که در تاریخ ثبت است ایشان با عملیاتی ساختن مفاهیمی، چون صبر، تلاش در جهت احقاق حق مظلومان، انفاق، ایثار، عدالت، وفای به عهد، مساوات، دانش، حکمت، خدمت به مردم و... در جامعه اسلامی انگیزه و امید به رحمت واسعه الهی را زنده نگه داشته، به پویایی و مانایی آن کمک بسزایی کرده‌اند.

در این رابطه شواهد و مصادیق بسیاری از زندگی معصومان (علیهم‌السلام) هست که بی‌تردید پرداختن به همه آن‌ها از عهده این نوشتار خارج است. در ذیل تنها گوشه‌ای از این جهاد امیدآفرینی به‌اجمال آمده است.

۱.۲. امیدآفرینی در سیره پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)

قرآن کریم، رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را به‌عنوان الگویی شایسته برای انسان‌های امیدوار به رحمت الهی معرفی کرده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب، ۲۱)؛ «مسلمانان برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آن‌ها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند.»

«اسوه» در لغت عرب سرمشق و پیشوا (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق: ج ۱، ۱۰۵) و آنچه به‌واسطه آن، شخص اندوهگین تسلی یابد (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ ق: ج ۴، ۳۱۹) تعریف شده است. به نظر می‌رسد

با توجه به این معنای اخیر بتوان وجه اختصاص الگو برای امیدواران به رحمت الهی را درک کرد؛ ازاین جهت که آنچه مایه آرامش و رفع اندوه شمرده می شود خود، اعطاکننده یا عامل تقویت امید است. به عبارتی، اُسوه یعنی امیدآفرین یا آن کسی یا چیزی که به دیگران انگیزه برای تلاش و حرکت روبه جلو می دهد. در کنار این نکته که ازاساس وجود یک نمونه والا در عرصه های مختلف دین و زندگی، از بالاترین ظرفیت و توان امیدبخشی برخوردار است.

ازطرفی یکی از مشخصه های بارز الگوی حسنه این است که تمام ویژگی ها و اوصاف کمال انسانی را داراست؛ ازجمله این اوصاف که وجه اعلای آن در وجود پر برکت رسول ختمی مرتبت ﷺ متبلور شده، صفت رجا و همراهی آن با ترس امیدآفرین (جوادی آملی، ۱۳۷۷، ۲۹۰) است؛ ازاین رو سیره آن حضرت نمونه برجسته ای در این زمینه به شمار می آید.

در سیره رسول خدا ﷺ امید به شکل های مختلف متجلی شده، به سمت مطلوب نهایی خویش که جان های آزاده و بیدار بود، راه یافت. این حرکت امیدآفرینی همچنین در جای جای زندگی ایشان ساری و جاری بوده است؛ ازجمله در سال های نخست دعوت به اسلام، گرایش افراد به این دین و مسلمان شدن آن ها به سبب نور امیدی بود که آن حضرت بر دل های مستعد و آماده می تاباند.

حضرت محمد ﷺ در مسیر تبلیغ و دعوت با برخورداری از درجات بالای ایمان و همچنین روحیه امید و توکل توانست از پسِ ناملایمات و دشواری های راه برآمده، عده ای را نیز به مرور زمان با خود همراه کند؛ به ویژه در هریک از موارد ذیل گوشه هایی از تلاش مجاهدانه آن حضرت در این حیطه مشاهده می شود.

پیامبر ﷺ در روزهای آغازین بعثت که در شرایط بسیار سختی خویشاوندان خود را به دین اسلام دعوت می کرد، هرگز ناامید نشد و با وجود مقاومت ها و سرسختی هایی که ازسوی مشرکان مکه وجود داشت، موفق شد در سیزده سال نخست پس از بعثت جمعی را به اسلام هدایت کند.

آن حضرت در برابر مخالفانی که با ابزار شکنجه و استهزا، امید و انگیزه مسلمانان را هدف حمله‌های خود قرار داده بودند، به تقویت پایه‌های ایمان و تزریق امید به جامعه نوپای اسلامی پرداخت. در حقیقت، حمایت و همراهی مداوم و خالصانه ایشان با اسلام‌آوردگان نقش مهمی در جذب و حفظ افراد و نیز امیدبخشی به آن‌ها داشت. همین پشتیبانی از نیروها یکی از جلوه‌های امیدآفرینی پیامبری است که به تعبیر قرآن، دیدن رنج‌های مؤمنان بر او سخت و به هدایت و رشد انسان‌ها بسیار مشتاق و امیدوار بوده است (توبه، ۱۲۸).

زمانی که گروهی از اهل کتاب، عده‌ای را اجیر می‌کردند که به پیامبر ﷺ ایمان آورده، مدت کوتاهی پس از آن از ایمان خود برگردند^۱ تا شاید بتوانند با این کار، دل‌های اهل ایمان را از امید خالی کرده، موجب بازگشت آن‌ها از اسلام شوند، پیامبر اکرم ﷺ رسالت یافت که در مقابل این توطئه از برتری هدایت الهی گفته، مشمولان این هدایت را از سستی در ایمان و نومی‌دی مبرا کند (آل عمران، ۷۲ و ۷۳). هدف یهود از طرح چنین نقشه‌ای متزلزل کردن پایه‌های ایمان و عقاید مسلمانان بود که این امر نه تنها از دل‌سردی و یأس آن‌ها ناشی می‌شد؛ بلکه خود سبب‌ساز بسیاری دیگر از ناامیدی‌ها به شمار می‌رفت (نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۲، ۶۱۶ تا ۶۱۸).

بازیابی روحیه و توان ایستادگی و مقابله با دشمن در جنگ‌ها به سبب امیدبخشی و انگیزه‌سازی پیامبر ﷺ و نقش مؤثر حضور ایشان در صحنه بود؛ به‌طور مثال در جنگ احزاب و در شرایطی که دشمن با تمام قوا مقابل مسلمانان صف‌آرایی کرده بود، نزدیک بود ترس و تزلزل عده‌ای سست‌ایمان باعث از هم پاشیدن سپاه مدینه شود که تلاش‌های فراوان رسول خدا ﷺ باعث کاهش بحران و بروز روحیه ثبات و استقامت در میان نیروها شد (زرگری‌نژاد، ۱۳۹۵: ۴۸۷).

۱. بنابر یکی از اقوال موجود در ذیل آیه مورد بحث (نک: طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۳، ۴۰۵).

از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای دامت‌الرحمة، امید دادن پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و نگاه ایشان به آینده منحصر به فرد بوده است؛ یعنی آن حضرت آنچه را که در واقع می‌دید بیان کرده، به دیگران انتقال می‌داد؛ همان گونه که در جنگ احزاب و در ماجرای حفر خندق، ضمن کمک به نیروها از فتح و گشایش‌های بعدی خبر دادند:

«یک جا مسلمان‌ها رسیدند به یک سنگ سختی که هرچه کردند نتوانستند این سنگ را جابه‌جا کنند. به پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عرض کردند یا رسول‌الله اینجا یک سنگ خیلی سختی هست و نمی‌توانیم آن را حرکت بدهیم. حضرت خودشان تشریف آوردند آنجا، کلنگ را گرفتند، یک ضربه محکمی با کلنگ زدند و برق جست از این ضربه مهم؛ پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود که من در این برق کاخ کسرا را دیدم که شما خواهید گرفت. [...] من امپراتور روم را در یک ضربه دیگر می‌بینم که شما [شکست می‌دهید]؛ [یعنی] امید، اعتماد به نفس؛ البته نگاه پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با نگاه امثال ماها و امید دادن او و خبر دادن او با خبر دادن امثال ماها زمین تا آسمان تفاوت دارد. او می‌دید، به طور واقعی مشاهده می‌کرد؛ اما ما تحلیل می‌کنیم.» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۶: بیانات در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی).

در رابطه با تکیه‌گاه امن بودن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در جنگ‌ها و تأثیر فراوانی که حضور و همراهی ایشان در مقاومت نیروهای اسلام داشته است، به سخنی از امیرالمؤمنین علیه‌السلام استناد می‌شود که فرمودند: «كُنَّا إِذَا أَحْمَرَّ الْبَأْسُ اتَّقَيْنَا بِرَسُولِ اللَّهِ فَلَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِّنَّا أَقْرَبَ إِلَى الْعَدُوِّ مِنْهُ» (نهج البلاغه، ح ۹)؛ «هرگاه آتش جنگ شعله می‌کشید، ما به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پناه می‌بردیم که در آن لحظه کسی از ما همانند پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به دشمن نزدیک‌تر نبود.» بی‌گمان آرامش پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این شرایط سخت، سبب امیدواری نیروها به پیروزی جبهه حق می‌شد.

امیدآفرینی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در زمانی که جبهه اسلام، از نظر نیرو و توان نظامی، رو به شکست بود، عامل مهمی در پایداری مسلمانان بود؛ چنان که در جریان اُحد، وجود تلفات و مجروحان بسیار در میان سپاه اسلام و احتمال قوی پیروزی کفار و مشرکان بر ایشان، موجبات یأس آن‌ها را فراهم کرده بود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۴، ۳۹)؛ اما پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از سوی خداوند تعالی مأمور شد تا نور

امید را بر دل‌های اندوهگین و مأیوس بتاباند: ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (آل عمران؛ ۱۳۹)؛ «و سست نشوید! و غمگین نگردید! و شما برترید اگر ایمان داشته باشید.» به واسطه ایمان هرگونه اضطراب و سستی در عزم و عمل از بین می‌رود و در واقع، به سبب ایمان است که برتری برای مسلمانان حاصل می‌شود.

نوید پیروزی اسلام و یادآوری تحقق وعده‌های الهی از دیگر راهبردهای مؤثری بود که نبی اکرم ﷺ برای امیدبخشی به افراد در پیش گرفت؛ به عنوان نمونه، آن حضرت با دیدن رنج‌ها و سختی‌هایی که دختر گرامی‌شان، حضرت زهرا (علیها السلام)، در راه اسلام متحمل شده بود، با تلاوت آیه پنجم سوره ضحی به ایشان و در واقع همه مسلمانان امید مضاعف بخشیده، فرمودند: «تلخی مرارت‌های دنیا را به خاطر شیرینی آخرت تحمل کن؛ چرا که خداوند ﷻ به من وعده داده است: "به‌زودی پروردگارت آن‌قدر به تو عطا خواهد کرد که خوشنود شوی."» (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۱۰، ۷۶۵).

هجرت مسلمانان (از مکه به مدینه) از جمله نقاط عطف و سرنوشت‌ساز تاریخ اسلام به شمار رفته، از چنان اهمیتی برخوردار است که در آیه ۷۲ سوره انفال درباره افرادی که هنوز هجرت نکرده بودند، آمده است: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا﴾؛ «آن‌ها که ایمان آوردند و مهاجرت نکردند هیچ‌گونه ولایت [دوستی و تعهدی] در برابر آن‌ها ندارید تا هجرت کنند.»

در روایات از هجرتی دیگر سخن به میان آمده که ورای انتقال از مکانی به مکان دیگر و به مراتب سخت‌تر از هجرت ظاهری است. مهاجر واقعی در نگاه دینی به کسی گفته می‌شود که از گناهان خویش به‌سوی حسنات هجرت کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۱۰۶).

به طور کلی، از دیدگاه قرآن مهاجران در زمره امیدواران به رحمت الهی شمرده شده‌اند (بقره، ۲۱۸). علاوه بر این، هجرت خود حرکتی امیدآفرین قلمداد می‌شود؛ از این روی که نویدبخش آینده‌ای بهتر و سرنوشتی متفاوت‌تر است.

۲.۲. امیدآفرینی در سیره اهل بیت علیهم‌السلام

در سیره هریک از ائمه معصومان علیهم‌السلام نیز مصادیق فراوانی هست که در آن امید به آینده‌ای روشن، همچون روزنه‌ای، بر قلب‌های پیش‌گامان اسلام می‌درخشید و افق تاریخ را روشن می‌کرد. آنچه در ادامه می‌آید نگاهی گذرا به الگوهای امیدآفرین در رفتار و سلوک اجتماعی ائمه علیهم‌السلام است که به اجمال بیان می‌شود.

۱.۲.۲. سبقت در امور خیر

پیشتازی امیرالمؤمنین علیه‌السلام در پذیرش اسلام که در حقیقت، اظهار به اسلام باطنی و درونی بود (مهدی‌نژاد، ۱۴۰۰: ۶۹) و دفاع از جان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، هم در سال‌های نخست دعوت و هم در جنگ‌ها و غزواتی که از ناحیه کفار و مشرکان بر مسلمانان تحمیل می‌شد، از جمله نمونه‌های امیدبخش و انگیزه‌ساز در جامعه آن زمان بود؛ چه برای وجود پربرکت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و چه برای آن‌هایی که به سبب ترس از اقتدار اشراف قریش در مکه، جسارت چنین اقدامات شجاعانه‌ای را در خود نمی‌دیدند.

۲.۲.۲. مدارا

مدارا در اندیشه امام از مشخصه‌های انسان عاقل به شمار رفته (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۳۳۹)، یکی از خاصیت‌های آن، این است که از راه تحریک احساسات، قلوب را جلب کرده، امید و انگیزه افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ از این روست که در آموزه‌های دینی به این خصیصه توصیه بسیار شده است.

شیوه برخورد امام علی (علیه السلام) با مردم که همراه با مدارا و رعایت انصاف بود، نشان‌دهنده رویکرد اخلاقی ایشان در این گونه تعاملات بوده، به عنوان یکی دیگر از مصداق‌های موفق امیدآفرینی در سیره آن حضرت قلمداد می‌شود. این امر از چنان اهمیتی در نزد آن حضرت برخوردار بود که حتی به کارگزاران خویش توصیه می‌فرمودند که در اداره امور جامعه و در تعامل با افراد این اصل را رعایت کرده، تاجایی که ممکن است از رفتار تند با آنان پرهیزند (آقاجانی، ۱۳۸۵: ۲۷ تا ۶۰). در نامه‌ای که ایشان خطاب به مالک اشتر نوشته‌اند، توجه به این مهم نمود بسیاری دارد: «در آنجا که مدارا کردن بهتر است، مدارا کن و در جایی که جز با درشتی کار انجام نگیرد، درشتی کن. پروبالت را در برابر رعیت بگستران. با مردم گشاده روی و فروتن باش و در نگاه و اشاره چشم، در سلام کردن و اشاره کردن با همگان یکسان باش تا زورمندان در ستم تو طمع نکنند و ناتوانان از عدالت تو مأیوس نگردند.» (نهج البلاغه، ن ۴۶).

رفتار همراه با نرمی و ملاطفت مدیر و حتی بالاتر از او به افرادی که در دایره مدیریت ایشان هستند، بار مثبت و امیدوارانه زیادی دارد؛ ازجمله اینکه سبب جلب اعتماد آن‌ها شده، مرجعی مطمئن برای طرح مسائل و مشکلات ایشان بدون دغدغه و ترس از ضایع شدن حق فراهم می‌کند.

۳.۲.۲. موعظه

خطبه‌های امیرالمؤمنین (علیه السلام) در موضوعات مختلف اجتماعی، سیاسی و تربیتی حاوی نکات درس‌آموزی است که برخی در بحبوحه وقایعی چون جنگ ایراد می‌شد و نقش مؤثری در تقویت اراده‌ها داشت؛ به عنوان نمونه در جنگ جمل هنگامی که پرچم را به دست فرزندش محمد حنفیه می‌دادند، فرمودند: «اگر کوه‌ها از جای کنده شوند تو ثابت و استوار باش، دندان‌ها را برهم بفشار، کاسه سرت را به خداوند عاریت ده، پای بر زمین میخکوب کن، به صفوف پایانی لشکر دشمن بنگر، از فراوانی دشمن چشم پیوش و بدان که پیروزی ازسوی خداوند سبحان است.» (نهج البلاغه، خ ۱۱).

بدون تردید، استواری در اراده، نتیجهٔ امیدی است که به واسطهٔ سخنان انگیزه‌بخش یک مدیر و امثال او در ذهن و دل افراد ایجاد می‌شود.

۴.۲.۲. انفاق

توجه و اهتمام ائمهٔ هدی علیهم‌السلام به برآوردن حاجات مسلمانان و توصیه و تأکید بر این مهم، زمینه‌ساز رویش امید در قلب رهروان و محبان ایشان است. این نشان می‌دهد که ولیّ جامعهٔ اسلامی به معنای واقعی کلمه دوست، یاور و سرپرست اهل ایمان بوده (قرشی، ۱۳۷۱: ۵ تا ۷، ۲۴۷)، به لحاظ ولایتی که دارند، عهده‌دار امور آنان در همه حال هستند. از این جهت می‌توان مفهوم ولایت را نیز امیدبخش و بشارت‌دهنده تلقی کرد.

انفاق به نیازمندان و درماندگان یکی از جلوه‌های امیدبخشی کریم اهل بیت علیهم‌السلام به شمار می‌رود. در رابطه با این ویژگی حضرت در روایات و نقل‌های تاریخی آمده است: «امام علیه‌السلام در طول عمر خود دو بار تمام اموال خود را در راه خداوند ﷻ خرج کرد و سه بار نیز ثروت خود را با فقرا به طور مساوی تقسیم کرد.» (پیشوایی، ۱۳۹۶: ۱۱۰).

نمونهٔ دیگری از این گرّه‌گشایی‌ها و توجهات معصوم را أبان بن تغلب، یکی از یاران نزدیک امام صادق علیه‌السلام، حکایت کرده که نشان می‌دهد حتی انجام طواف واجب نیز مانع از رسیدگی فوری به امور نیازمندان نمی‌شود (کلینی، ۱۳۷۵: ج ۲، ۱۷۲). ضمن اینکه در حدیثی قابل تأمل از آن حضرت در همین رابطه آمده است: «قدم برداشتن مسلمان برای برآوردن حاجت مسلمانی دیگر از هفتاد طواف خانهٔ خداوند ﷻ بهتر است.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۱، ۳۱۱).

رعایت حال مستمندان و نحوهٔ برخورد با آنان در کنار توجه و رسیدگی به امور ایشان، در سیرهٔ خاندان نبی علیهم‌السلام به اندازه‌ای است که هر نوع ناملامی و روی گردانی از آن‌ها را به شدت نفی کرده، مرتکب این عمل ناشایست را سزاوار توبیخ و سرزنش خویش دانسته‌اند. اسحاق بن عمار، از یاران امام صادق علیه‌السلام، تجربهٔ این نوع مواجههٔ امام را داشته است؛ آنجا که حضرت، وی را

به علت گماردن نگهبانانی بر درب خانه خود برای جلوگیری از ورود مستمندان شیعه و بی توجهی به آنان به بهانه ترس از شهرت، عتاب کرده، با یادآوری عذاب الهی فرمودند: «آیا نمی دانی هرگاه مؤمنان با هم ملاقات کنند و دست به دست هم بدهند، مورد رحمت خداوند ﷻ قرار خواهند گرفت و ۹۹ قسم از این رحمت برای کسی است که لطف و محبتش به مؤمن دیگر بیشتر است؟» (ابن ابی فراس، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ۱۹۸).

به طور قطع، بازتاب این نوع برخورد و موضع گیری، ایجاد و تقویت امید در دل همگان به ویژه مستضعفان جامعه بوده است؛ چراکه نگاه ولی خداوند ﷻ را متوجه خویش دیده، آرامش خاطر یافته‌اند که در نظام دینی اسلامی هیچ گاه ازسوی مؤمنان طرد نخواهند شد.

۵.۲.۲ دعا

دعا و مناجات در اندیشه معصوم علیه‌السلام از اهمیت و جایگاه رفیعی برخوردار است. این رشته‌ای که به سوی غیب بالا می‌رود، دارای آثار و برکاتی، از جمله جوانه زدن امید در قلب انسان است. دعا به درگاه الهی وسیله جلب روزی و اسباب کسب توفیقات محسوب می‌شود؛ بنابراین سزاست که راه‌وروش آن از واسطه‌های فیض گرفته شود که محتوایی عمیق با مضامینی درخور تأمل را به مخاطب ارزانی می‌دارند.

در دعاهایی که معصوم علیه‌السلام تعلیم می‌دهد مفاهیم عرفانی نهفته است؛ چنان که یادآوری مهر و رحمت الهی در ضمن دعا امیدی می‌آفریند که به آسانی از بین نمی‌رود. در حدیثی که امام علی علیه‌السلام به یار مخلص خود اصبغ بن نباته عرضه کردند، این وصف جلوه‌نمایی خاصی دارد؛ به ویژه آنکه مهرگستری خداوند ﷻ را معطوف به ثبات قدم در دین، پذیرش ولایت رهبران حق و دستگیری از تهیدستان کرده‌اند: «لَئِنْ ثَبَّتَ قَدَمُكَ وَ تَمَّتْ وَلَايَتُكَ وَ اِنْبَسَطَتْ يَدُكَ، قَالَ اللَّهُ اَرْحَمُ بِكَ مِنْ نَفْسِكَ.» (طوسی، ۱۴۱۴: ۱۷۳).

جلوه‌ای از امیدآفرینی نور دیده پیامبر ﷺ در دعای ایشان برای همسایه‌ها و تقدیم آن بر دعا برای نزدیکان خویش است. نفس این حرکت عامل جذب و ماندگاری نفوس مستعد و کلید گشایشی است که در احادیث اسلامی به مؤمنان وعده داده شده، نور امید را در دل‌های آنها روشن می‌کند: «همانا دعای مؤمن در حق برادر دینی خود مستجاب شده و سبب افزایش روزی و دفع ناگواری‌هاست.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۰، ۳۸۳).

۶.۲.۲. حفظ حریم ولایت

دفاع از مقام ولایت از دیگر اقدامات امیدآفرین حضرت زهراى اطهر ﷺ به شمار می‌رود؛ به‌ویژه در زمانه‌ای که جامعه اسلامی از درک حضور رسول خدا ﷺ محروم گشته و ولّی معصوم ﷺ صبر و مماشات در برابر غصب کنندگان خلافت را همچون خاری در چشم و استخوانی در گلو (نهج البلاغه، خ ۳) پیشه خود ساخته بود.

در واقع، دفاع از حریم ولایت، رسالت تاریخی و مسئولیت الهی حضرت فاطمه ﷺ در این مقطع از زمان بوده است (نک: رفیعی، ۱۳۸۶: ۱۰۶). این اقدام هم مایه دل‌گرمی امیرالمؤمنین ﷺ بود و هم به سبب آنکه ایشان از سوی پیامبر ﷺ ملاک حق و باطل معرفی شده بود، اتمام حجتی برای مردم محسوب می‌شد.

جریان صلح امام حسن ﷺ با معاویه نشان از آینده‌نگری و امید به فراهم آمدن شرایطی دارد تا بتوان بر ضد حاکمیت نامشروع قیام و با آن مبارزه کرد. ایشان با علم به آنچه که در آینده‌ای نه‌چندان دور واقع خواهد شد، تصمیمی اتخاذ کرد که شاید در کوتاه‌مدت برای جامعه اسلامی پیامد مثبتی در بر نداشت و طیفی از نزدیکان امام ﷺ با چنین رویکردی مخالف بودند؛ اما در نگاه کلان، از آنجایی که پذیرش صلح، علی‌القاعده، به حفظ حریم ولایت و برقراری امنیت شیعیان می‌انجامید، حاوی پیامی امیدآفرین بود.

امام حسن علیه السلام پس از کارشکنی معاویه و زیر پا نهادن همه تعهداتی که ضمن صلح با امام علیه السلام پذیرفته بود، در خطبه‌ای که ایراد فرمود، دوباره از ولایت دفاع کرده، برای مخالفان صلح، اهداف و دلایل پذیرش آن را با برخوردی کریمانه تبیین و آنان را به آینده‌ای درخشان امیدوار کردند (الهی‌زاده، ۱۳۹۰: ۶۰).

۲.۲.۲. نهضت حسینی

یکی از ابعاد برجسته زندگی حضرت أباعبدالله الحسین علیه السلام قیام آن بزرگوار در برابر طاغوت زمان بود که نمونه‌ای بی نظیر از امیدآفرینی امام معصوم بود. ایشان با برپایی این قیام بزرگ به همراهی یاران باوفای خود نشان داد که در مصاف با ظلم، حق و عدالت همواره پیروز خواهد بود. نفس این حرکت، سبب‌ساز ایجاد و تقویت امید در دل‌های مؤمنان بوده است.

حرکت امام علیه السلام به سمت کربلا، گذشته از انگیزه و اهداف بسیاری که در آن موج می‌زند، از حیث اثرگذاری مداوم این قیام نیز امیدوارانه است. سخنان و گفتارهای اندرزگونه امام علیه السلام و همراهان ایشان در تمام طول این حادثه، در کنار رجزهای ماندگار خاندان هاشمی، شاهدی بر این سخن است.

با توجه به اینکه تزریق امید به جامعه می‌بایست مطابق با واقع بوده، پایه و اساسی درست داشته باشد، نهضت امام علیه السلام نشان می‌دهد که چقدر به راهی که برگزیده، سرشار از ایمان و اطمینان قلبی است. بدون تردید همین اطمینان به درستی مسیر آن را از عوامل زمینه‌ساز امید قرار داده است؛ چرا که طلیعه‌ای برای قیام‌های دیگر شد که مقابل ظلم به پا خواسته‌اند.

۲.۲.۲. جلوه‌گری امید در سیره حضرت زهرا علیه السلام

حضور تأثیرگذار حضرت فاطمه زهرا علیه السلام، در کنار پیامبر علیه السلام و امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان ارکان جامعه اسلامی، نقشی کلیدی در شکل‌گیری و تقویت شالوده این نظام دینی داشت. از

جنبه‌های مهم این حضور، تلاش برای امیدآفرینی و تقویت روح مبارزه و استقامت در بین مسلمانان بود. ایشان با سلاح بردباری در شرایط سخت و حسّاس زندگی خویش، الگویی بی‌نظیر از انسان امیدوار به رحمت و لطف پروردگار برای همیشه تاریخ ارائه داده است.

در ذیل، به نمونه‌هایی از امیدبخشی آن بزرگ بانوی اسلام اشاره شده که می‌تواند راهبردی برای تقویت امید در حیات فردی و اجتماعی همه رهروان باشد.

تجلی امید در زندگی حضرت زهرا (علیها السلام) چنان بود که شخصیت بزرگی چون علی بن ابی طالب (علیه السلام) غم و غصه‌های پنهان در دلش را به واسطه دیدار و درک آن وجود گرامی رفع می‌کرد: «قَوَّ اللَّهُ [...] وَ لَقَدْ كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهَا فَتَنَكِّشِفُ عَنِّي الْهُمُومَ وَ الْأَحْزَانَ.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۳، ۱۳۴).

هم‌وغم و اندوه معمولاً به سبب خسارت‌ها یا مصیبت‌هایی است که بر انسان وارد می‌شود و چه بسا او را از ادامه فعالیت و نیز اهتمام به امور عبادی بازدارد؛ اما حزن‌هایی هم هست که انسان را متوجه خداوند (جل جلاله) کرده، او را موفق به اطاعت، عبادت و بندگی حق می‌کند (نک: مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۱۵۴ و ۱۵۵)؛ چنان‌که حزن امیرالمؤمنین (علیه السلام) از این جنس بوده و آن حضرت هیچ‌گاه از مشکلات و سختی‌ها به آن درجه از یأس نمی‌رسید؛ بنابراین تعبیر امیدبخشی فاطمه (علیها السلام) به مفهوم رفع اندوه از دل و در واقع، تقویت بن‌مایه‌های امیدی است که مراتب والای آن در وجود پربرکت امام متجلی بود.

۳. رابطه امیدآفرینی و مهدویت

مقوله انتظار و عقیده به مهدویت، به تعبیر رهبر معظم انقلاب (مد ظله العالی) زنده‌کننده امید در دل‌هاست (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۶: بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم). دین‌دار واقعی با این اعتقاد هیچ‌گاه مبتلا به یأس و دل‌سردی نمی‌شود.

ماهیت زندگی با انتظار پیوندی ناگسستنی دارد و نخستین اثر آن، این است که انسان را به حرکت و تکاپو وامی‌دارد (حکیمی، ۱۳۸۰: ۲۸۷). در تعریف انتظار آمده است: «وَهُوَ كَيْفِيَّةُ نَفْسَانِيَّةٍ يَنْبَغِي مِنْهَا التَّهَيُّؤُ لِمَا تَنْتَظِرُهُ وَضِدُّهُ الْيَأْسُ» (موسوی، ۱۳۹۸ق: ج ۲، ۱۵۲) و «[انتظار] حالتی نفسانی و درونی است که [در شخص] نوعی آمادگی برای امر مورد انتظار ایجاد می‌کند و مقابل آن، یأس و نومیدی است.»

فرد با وجود این خصیصه درونی است که امکان حیات یافته، امور خویش را می‌گذراند. منتظر در مراتب والای انتظار خود را فراموش کرده، برای کسب آمادگی از جان و دل مایه می‌گذارد و هر درد و رنجی را برمی‌تابد (پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۵: ۱۳۵).

شکوفای شدن روح امید در انسان از جمله اثرات سازنده این وصف است؛ چنان که گفته شد، برخی آیات وحی در انسان القای امید و انتظار می‌کند؛ به خصوص آنجا که بشارت پیروزی و صلح کامل در جهان و حکومت بندگان صالح خدا در زمین را می‌دهد: «أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ» (انبیاء، ۱۰۵).

مؤمنان واقعی در سایه امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده، به مرتبه‌هایی از کمال و انسانیت دست می‌یابند. بدیهی است صبر بر طاعت، مصیبت و معصیت نقش مؤثری در تثبیت و تقویت این مهم ایفا می‌کند؛ همچنان که در تاریخ اسلام نمونه‌های فراوانی از این افراد صبور و مقاوم بوده‌اند که به‌خاطر روحیه خدشه‌ناپذیر خود مورد مهر و عطوفت اولیای الهی واقع شده، رنج‌ها و مصیبت‌های ناشی از پذیرش اسلام و حب ائمه علیهم‌السلام را با نگرشی مثبت و واقع‌بینانه به آینده فرارو تحمل می‌کردند. نتیجه امید و انتظار مصلحت‌جویانه آنان ماندگاری دین و احیای ارزش‌های پاک و مقدس آن بوده است.

۴. راهبردهای امیدآفرینی در اندیشه رهبری

از سیره و سبک زندگی پیشوایان معصوم علیهم السلام می‌توان برای امیدبخشی به آحاد مردم در این برهه حساس تاریخی بهره‌ها گرفت؛ چنان‌که در ضمن مباحث گذشته نیز به اجمال اشاره شد که مدیران، مسئولان کشور و کسانی که صاحب نام و مقام هستند و همچنین متولیان نهادهای فرهنگی با در پیش گرفتن راهبردهای رفتاری امیدآفرین می‌بایست در این عرصه پیشرو باشند.

رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی علیه السلام که خود در بالاترین درجه امیدواری به آینده اسلام و انقلاب قرار دارند، بارها با تأسی از سلف صالح خویش، وعده نصرت الهی را به همگان یادآور شده، بر آن تأکید کرده‌اند (راجی، ۱۴۰۱: ۷۴): «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حج، ۴۰): «و خداوند تعالی کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری می‌کند؛ خداوند تعالی قوی و شکست‌ناپذیر است.» باور این سخن و باوراندن آن از سوی ایشان، به ملتی که با سخت‌ترین فتنه‌های خارجی و داخلی مواجه است، علاوه بر قدرت زیاد انگیزه‌سازی، نویدبخش پیروزی‌ها و گشایش‌های بسیاری است.

به تحقیق حاکمیت اسلامی از اثرگذارترین ارکان جامعه دینی است که می‌تواند امید و اعتماد افراد را، با توجه و رسیدگی به مشکلات و آسیب‌های فردی و اجتماعی ایشان حفظ و تقویت کند؛ اما بخش‌های زیرمجموعه آن، یعنی افرادی که در رأس امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... نقش هستند، در این راستا وظیفه‌ای به مراتب سنگین‌تر دارند. توصیه مسئولان به خوب ماندن و خوب عمل کردن (انصاری، ۱۴۰۱: ۲۹۵) یکی از راهکارهای مؤثری است که رهبر معظم انقلاب علیه السلام با تمسک به سیره راهنمایان دین در پیش گرفته‌اند. به تعبیر ایشان مسئولیت در اسلام، قبول این واقعیت است که باری بر دوش انسان قرار گرفته، باید آن را برای نیل به اهداف تحمل کرد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۸: بیانات در ابتدای جلسه درس خارج فقه درباره ثبت نام افراد در انتخابات مجلس)؛ بنابراین می‌بایست در این موضوع نگاهی امانت‌دارانه داشت؛ چنان‌که

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در نامه به یکی از کارگزاران خویش به این مسئله هشدار داده‌اند که «پُست فرمانداری همچون امانتی در گردن توست، نه وسیله آب و نان!» (نهج البلاغه، ن ۵). در واقع این گونه سفارش‌ها و احادیث از معصومان (علیهم‌السلام) که به تکلیف‌مداری صاحبان منصب تأکید دارند، مایه امید هستند. ضمن اینکه در عصر حاضر، منش بزرگوارانه آن آسوه‌های بی‌بدیل نیز می‌تواند شاخصی برای عملکرد مسئولان باشد.

با عنایت به اینکه یکی از دغدغه‌های مهم رهبری فرزانه، رویش و پروراندن امید در دل مردم به‌ویژه جوان‌هاست و بر این اعتقاد هستند که این حرکت امیدبخش باید از متن جامعه شروع شود. «تبیین دستاوردها و خدمات نظام در سال‌های اخیر، حمایت از تولید ملی و شرکت‌های دانش‌بنیان، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و... (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۷: بیانات در دیدار اқشار مختلف مردم)»، از جمله رویکردهایی است که از نظر ایشان باید در جهت امیدافزایی و نگاه خوش‌بینانه به آینده اتخاذ کرد.

نتیجه‌گیری

نتایجی که از مباحث طرح شده در این نوشتار به دست آمده، به قرار ذیل است:

۱. پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام) که خود بر امیدواری، توکل به خداوند (تَعَلُّکُ) و پرهیز از نومیدی در همه حالات تأکید داشته‌اند، در عرصه امیدآفرینی نیز همواره پیش‌گام و سرمشق بوده‌اند. کلام و سلوک ایشان در زندگی و در تعامل با دیگران، با شیوه‌ای منطبق و هماهنگ، بیانگر اهمیت، جایگاه و نقش امید در گذر از چالش‌های پیش‌روی انسان است؛

۲. اهل بیت عصمت (علیهم‌السلام) با بردباری خود در تنگناهای زندگی و سختی‌هایی که در مسیر انجام رسالت و عمل به تکلیف الهی متحمل شده‌اند، همچنین با گذشت، همیاری، برقراری

عدالت و دعا و مناجات، توانستند به امید جلوۀ عملی بخشیده، از طریق کاربردی سازی این مفاهیم امید را در جامعه ترویج دهند؛

۳. در ارتباط با بحث امید و امیدآفرینی، مفاهیم بسیاری در آموزه های دینی یافت می شود که هریک به تناسب، دربردارندۀ این ویژگی بوده، ظرفیتی ناتمام برای امیدبخشی به افراد در آنها وجود دارد؛ ازجمله مفهوم انتظار و مهدویت که پیوندش با مفهوم امید ناگسستی است؛

۴. بنابر دیدگاه آیت الله خامنه ای دامت برکاته به نظر می رسد تواصی مسئولان که به نوعی نظارت بر کار آنهاست و جنبۀ مطالبه گری نیز پیدا می کند و همچنین تبیین حقایق و دستاوردهای انقلاب برای مردم، دو راهکار عملی امیدآفرینی در جامعه به شمار می رود.

فهرست منابع

* قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.

* نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.

۱. ابن فارس، احمد بن فارس، ۱۴۰۴ق، معجم مقائیس اللغة، قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
۲. آخوندی، مصطفی، ۱۳۸۵، «جایگاه امید در پویایی انسان‌ها»، مرییان، س ۶، ش ۱۹، ص ۵۱ تا ۷۴.
۳. آقاجانی، آرش، ۱۳۸۵، «تبیین ویژگی‌های مدیران از دیدگاه حضرت علی (علیه السلام) در نهج البلاغه»، پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، ش ۲۴، ص ۲۷ تا ۶۰.
۴. الهی‌زاده، محمدحسن، ۱۳۹۰، تدبری در سیره تاریخی اهل بیت (علیهم السلام)، مشهد: به‌نشر.
۵. آمدی، عبدالواحد بن محمد، بی‌تا، غررالحکم و دررالکلم، قم: دار الکتب الإسلامی.
۶. انصاری، علی‌رضا، ۱۴۰۱، «تواصی به حق و تواصی به صبر از منظر مقام معظم رهبری (دام‌طه)»، ره‌توشه، س ۲۸، ش ۹، ص ۲۸۹ تا ۲۹۹.
۷. پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۵، فرهنگ شیعه، قم: زمزم هدایت.
۸. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۷، مراحل اخلاق در قرآن، قم: مرکز نشر اسراء.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن، بی‌تا، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل‌البیت (علیهم السلام) لإحياء التراث.
۱۰. حرانی، حسن بن علی بن شعبه، ۱۳۸۰، تحف العقول، ترجمه بهراد جعفری، تهران: اسلامیة.
۱۱. حکیمی، محمد، ۱۳۸۰، عصر زندگی یا چگونگی آینده اسلام و انسان، چ ۳، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۲. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۷۶، بیانیه گام دوم انقلاب، بی‌جا: نشر و حفظ آثار.
۱۳. ____، ۱۳۹۶، بیانات در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، بی‌جا: نشر و حفظ

۱۴. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۴۲، لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران.
۱۵. راجی، سید محمد حسین، ۱۴۰۱ش، تبیین با نور قرآن، بی جا: ویراستاران.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۶۹، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن، ترجمه غلام رضا خسروی حسینی، تهران: مرتضوی.
۱۷. رفیعی، علی، ۱۳۸۶، سیره اخلاقی تربیتی حضرت فاطمه علیها السلام، تهران: آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
۱۸. زارعی، نفیسه، ۱۴۰۰، «امیدآفرینی در قرآن با تکیه بر اندیشه های جوادی آملی و علامه طباطبائی علیه السلام»، دوفصلنامه علمی مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی، س ۶، ش ۱۲، ص ۲۰۵ تا ۲۲۳.
۱۹. زرگری نژاد، غلام حسین، ۱۳۹۵، تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)، تهران: سمت.
۲۰. شعبانی، محمد جواد، ۱۳۹۸، «بررسی مولفه امید در سبک زندگی دینی و نقش رسانه دیداری تلویزیون در گسترش امیدآفرینی دینی»، پژوهش نامه سبک زندگی، س ۵، ش ۸، ص ۱۱۵ تا ۱۴۴.
۲۱. شعرانی، ابوالحسن، ۱۳۸۶، پژوهش های قرآنی، ج ۲، قم: بوستان کتاب.
۲۲. طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۷۴، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی، ج ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴، الأمالی، قم: دار الثقافة.
۲۴. طیب، عبدالحسین، ۱۳۶۹، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، تهران: اسلام.
۲۵. عسکری، ابوهلال، ۱۴۰۰، الفروق فی اللغة، بیروت: دار الآفاق الجديدة.
۲۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰، العین، ج ۲، قم: مؤسسه دار الهجرة.
۲۷. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، ۱۴۱۵، القاموس المحیط، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۸. فیض کاشانی، ملا محسن، بی تا، المحجة البيضاء، به تصحیح علی اکبر غفاری، قم: انتشارات

اسلامی.

۲۹. قرشی بنابی، علی اکبر، ۱۳۷۱، قاموس قرآن، چ ۶، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۰. قلی‌زاده، احمد، ۱۳۷۹، واژه‌شناسی اصطلاحات اصول فقه، تهران: بنیاد پژوهش‌های علمی فرهنگی نورالاصفیاء.
۳۱. قمی، محمد بن علی بن بابویه، ۱۳۸۲، کمال الدین و تمام النعمه، به تحقیق علی اکبر غفاری، ترجمه منصور پهلوان، چ ۲، قم: مسجد جمکران.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۷۵، اصول کافی، قم: انتشارات اسوه.
۳۳. گیتی‌قربشی، اشرف‌السادات، ۱۳۸۸، «سطح امیدواری در دانشجویان سال اول و سال آخر رشته روان‌شناسی»، مجله اندیشه و رفتار، س ۳، ش ۱۲، ص ۴۵ تا ۵۶.
۳۴. لثی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶، عیون الحکم و المواعظ، به تحقیق حسین حسینی بیرجندی، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث.
۳۵. متقی، علی بن حسام‌الدین، بی‌تا، کنز العمال فی سنن الاقوال و الأفعال، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۶. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۷. مردانی‌نوکنده، محمدحسین، ۱۳۹۰، «جایگاه و نقش امید در زندگی با تاکید بر آموزه‌های قرآنی و دینی»، نشریه مهندسی فرهنگی، س ۶، ش ۵۷ و ۵۸، ص ۲۴ تا ۳۴.
۳۸. مصباح‌یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۱، ره‌توشه: پنندهای پیامبر صلی الله علیه و آله به ابوذر، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله.
۳۹. معاونت تبلیغ و امور فرهنگی حوزه‌های علمیه (اندیشه برتر)، ۱۴۰۱ش، (btid.org)، بی‌جا: بی‌نا.
۴۰. معرفت، محمدهادی، ۱۳۹۵، معرفت قرآنی، قم: دانشگاه مفید.
۴۱. معین، محمد، ۱۳۸۵، فرهنگ فارسی (متوسط)، چ ۲۳، تهران: امیرکبیر.

۴۲. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱ق، تفسیر نمونه، ج ۱۰، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۴۳. مهدی نژاد، سمیرا، ۱۴۰۰، تاریخ اسلام (سال ۳۶ هجری)، تهران: موسسه فرهنگی نبأ.
۴۴. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، ۱۴۱۰، مجموعه وزام (تنبيه الخواطر و نزهة النواظر)، قم: مكتبة فقیة.
۴۵. یزدی الحائری، علی، ۱۴۰۴، الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب، ج ۵، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.